

## مختصری از اندیشه‌های سیاسی شیخ محمد خیابانی، ع. ناهیدی آذر

شیخ محمد خیابانی از بنیان حزب دموکرات ملی و از معماران جامعه مدنی و حکومت مردم سالاری در ایران است.

اعضای دموکرات‌ها اغلب افرادی با ایمان، صاحب عقیده و صاحب قلم بودند و هوادار فقرا و رنجبران معرفی شده بودند و افراد کثیری از جوانان را بخود جلب کرده بودند.

آنها مخالف ثروت و ثروتمندان نبودند، بلکه سعی داشتند رنجبران و دهقانان را نیز به رفاه و غنا برسانند. به سخن دیگر حزب دموکرات ملی خیابانی هوادار يك طبقه و یا قشر مخصوصی نبود، بلکه خود راهوادر و مدافع اکثریت مردم ایران می‌دانست. روزنامه تجدد در شماره 56 خود در توضیح مرام دموکرات‌ها چنین می‌نویسد: «هدف ما ایجاد دموکراسی در ایران است. هر کس در این کشور کار می‌کند، زحمت می‌کشد، جفا می‌بیند، مورد ظلم و ستم واقع می‌گردد، زمین می‌کارد، درو می‌کند، چکش می‌زند و با عرق پیشانی روزی خود وبستگانش را به دست می‌آورد، عضو خانواده بزرگ دموکراسی ایران است. آهنگ عنصری است از عناصر دموکراسی هم چنین زرگر، عطار، قصاب، مسگر، بقال، علاف، برزگر، بزار، باغبان، چینی فروش، آهک‌پز... خلاصه هر کس رنج می‌برد، هر کس برای رفع احتیاجات عمومی يك حصه از مساعی عامه را برعهده می‌گیرد، در جامعه دموکراسی جا و مقامی دارد.

دموکراسی متشکل از يك خانواده، يك قبیله، يك محله، يك شهر، يك ایالت نیست دموکراسی ایران عبارت است از... شتربانی، خیابانی، ششگلانی، سرخابی، اردبیلی، ارومیه‌ای، مراغه‌ای، خونی، آذربایجانی، خراسانی، کرمانی، مازندرانی و... دموکراسی ایران متشکل از اکثریت ایرانیان، از هیأت جامعه فرزندان کارگر و کارآمد ایران می‌باشد. ای کارگران، ای اصناف، ای صنعتگران، ای اصناف، ای صنعتگران، ای رنجبران، ای تجار، دموکراسی ایران شما هستید. فرقه دموکرات ایران برای شما تأسیس یافته است. فرقه دموکرات برای شما يك وطن مستقل می‌خواهد. فرقه دموکرات برای شما يك وطن مستقل می‌خواهد. فرقه دموکرات برای شما يك مملکت محمود و آباد می‌خواهد. فرقه دموکرات برای شما يك حکومت مقتدر و صحیح‌المسلکی را آرزو می‌کند.»

چنانکه از مرامنامه مترقی و روشنفکرانه حزب دموکرات استنباط می‌شود، دموکرات‌ها در پیشبرد مرام خود شیوه انقلابی را تجویز نمی‌کردند، بلکه اصول پارلمانتاریزم را برای رسیدن به اهداف خود برگزیده بودند و از اعمال زور، به ویژه از دست زدن به ترور و ایجاد وحشت خودداری می‌کردند.

تاریخ گواهی می‌دهد، در طول حکومت آزادیستان، يك نفر نیز به مرگ محکوم نشد. خیابانی حتی بزرگترین دشمنان نهضت را که در کودتایی علیه وی شرکت کرده بودند، تبعید کرد و از کشتن آنها صرف نظر کرد. خیابانی تك حزبی را آفت دموکراسی می‌دانست و معتقد بود که «يك حزب بی‌رقیب مانند يك سالک بی‌رهنما و راهرو بی‌هادی است.»

شیخ می‌کوشید خود را از قدرتهای بیگانه دور نگه دارد. وی به ویژه از کمونیزم دوری می‌جست و آن را برای مردم خود زیانبار می‌دانست. بنابراین برخلاف میرزا کوچک خان باسوسیال دموکرات‌ها دست دوستی نداد و با آنها متحد نشد.

توضیح این که پس از پیروزی انقلاب بلشویکی سال 1917 روسیه، همه قراردادهای استعمارگرانه بین آن دولت ایران، از طرف انقلابیون روسیه ملغی می‌گردد و سربازان اشغالگرتزارسیم از ایران بیرون می‌روند و این عوامل باعث می‌شود که خیابانی با بالشویک‌ها روابط دوستانه برقرار سازد و از سقوط تزارسیم در روسیه اظهار شادمانی کند. لیکن پس از آن که کشورهای

تازه استقلال یافته، گرجستان، آذربایجان، ارمنستان به وسیله سربازان سرخ اشغال می‌شود و استقلال و آزادی آنها نادیده گرفته می‌شود، نظر خیابانی درباره بلشویک‌ها که هواداری و حمایت از ملل ضعیف را شعار می‌دادند عوض می‌شود.

متعاقب این احوال (28 اردیبهشت ماه 1299) ارتش سرخ استقلال و تمامیت ارضی ایران را نیز نادیده می‌گیرد و وارد بندر انزلی و غازیان می‌شود. این امر موجبات نگرانی رهبران جنبش جنگل را فراهم می‌آورد. میرزا کوچک خان با فرماندهای ارتش سرخ ملاقات می‌کند و با آنها قرارداد دوستی و همکاری منعقد می‌سازد و قول می‌گیرد هیچگونه مداخله‌ای در امور ایران نکنند و به تبلیغ مرام خود نپردازند. ولی این قول و قرارها عملی نمی‌شود. آنان روزنامه‌های «کامونیست»، «ایران سرخ» و «فریاد» و... را در رشت منتشر می‌سازند و به تبلیغ مرام کمونیستی می‌پردازند و می‌کوشند جنبش دموکراتیک ملی جنگل را مرحله به مرحله به سوی اضمحلال بکشانند. سرانجام روسیه شوروی به این خیال می‌افتد که جمهوری‌های دست‌نشانده‌ای نظیر جمهوری‌های شوروی در مناطق شمال ایران به وجود آورد. به همین جهت نیروی بلشویک‌ها بهانه حمایت از نهضت آزادیستان در برابر امپریالیسم انگلیس و دولت دست‌نشانده مرکزی، از گیلان متوجه زنجان می‌شود و خود را برای اشغال آذربایجان آماده می‌کند. بدین ترتیب کمونیست‌هایی که قبل از پیروزی در روسیه ملاحظات ناروایی نظامی تزاریسم را در ایران بآدم حمله می‌گرفتند، اکنون به بهانه‌های جدید پا در جای پای سالدهای تزار می‌گذاشتند و استقلال و آزادی ملل مستقل هم جوار خود را نادیده می‌گرفتند. به همین علت حزب دموکرات ملی تبریز به جای این که با بلشویک‌ها و احزاب چپ افراطی هوادار آنها همکاری و تشریک‌مساعی کند، بنای مخالفت با آنها را گذاشت و نسبت به پیاده شدن قوای شوروی در انزلی اعتراض نمود و قرارداد منعقد بین شوروی و کوچک خان را فاقد اعتبار دانست. خیابانی حتی در این مورد میرزا کوچک خان را بآدم انتقاد گرفت و نوشت: «چه فرقی بین شما و وثوق‌الدوله وجود دارد؟ وثوق‌الدوله می‌خواهد ایران را با مساعدت لشکریان انگلیس اداره کند. شما نیز می‌خواهید ایران را به یاری لشکریان روس اشغال کرده و اداره کنید؟!»

پس از این جریان‌ها است که خیابانی در استعمار ملل فرقی بین شوروی و انگلستان نمی‌گذارد و از شرکت سوسیال دموکرات‌های هوادار بلشویک‌ها در حکومت آزادیستان جلوگیری می‌کند. گروه سوسیال دموکرات تبریز به وسیله روشنفکران آرامنه وابسته به حزب داشناکسیون تشکیل یافته بود. آنان تحصیلات خود را در روسیه گذرانده بودند. حزب داشناکسیون برای وصول به هدف اصلی خود که همانا تشکیل ارمنستان مستقل و بزرگ بود، می‌کوشید داشناک‌ها در سال 1920 میلادی هفته نامه آراود (صبح) را در تبریز بنیاد نهاده بودند که به زبان ارمنی انتشار می‌یافت و به تبلیغ مرام داشناک‌ها می‌پرداخت.

یکی از اعضای با نفوذ و شناخته شده این حزب در تبریز یفرم خان بود که در ابتدای اوج‌گیری جنبش مشروطه در صف انقلابیون قرار گرفت ولی بعداً از مردم و انقلاب جدا گردید و به ارتجاع و حکومت وابسته به استعمار پیوست.

به هر حال در این زمان گروه سوسیال دموکرات تبریز دارای نظر موافق با جنبش آزادیستان نبود. به نظر آنان جنبش دارای محتوای اجتماعی مترقی نبود! چرا که خصلت و هدف آزادیستان با سیاست تجاوزگرانه بلشویک‌ها سازگار نبود و پیروزی خیابانی اهداف درازمدت داشناک‌ها را به مخاطره می‌انداخت.

بنابراین سوسیال دموکرات‌های تبریز بنای مخالف با خیابانی را گذاشتند. آنان حتی برای شکستن جنبش آزادیستان با ایادی وثوق‌الدوله در تبریز متحد شدند و علیه نهضت آزادیستان به فعالیت‌های گسترده‌ای دست زدند.

شیخ معتقد بود، دموکراتیزم فصلی از تاریخ کشور ما است و این فصل از تاریخ ما را هیچ کس نمی‌تواند برای همیشه حذف کند. در جهت نیل به این آرمان، خیابانی تشکیل شوراهای محلی و انجمن‌های ولایتی و ایالتی را به همان شکل و قدرتی

که در صدر مشروطیت بودند، ضروری می‌شمرد. چرا که چنین پارلمان‌های کوچک محلی بودند که مشارکت مردم را در سرنوشت خود به نحو احسن فراهم می‌آوردند. نقش فعال و کارساز انجمن تبریز و کارهای ملی و مردمی آن که شیخ نیز خود از اعضای منتخب این پارلمان محلی بود، صفحات غرور آفرینی را در تاریخ ما به یادگار گذاشته است.

در این جا توضیح این نکته را ضروری می‌دانم که یکی از علل اختلاف شیخ محمد خیابانی با گروه تنقیدیون و سید احمد کسروی، اتخاذ این هدف مردم سالارانه توسط نهضت آزادیستان می‌باشد. کسروی به يك حکومت مقتدر و متمرکز مرکزی اعتقاد داشت و جایگاه مناسب و مشروع آن را فقط در تهران می‌دانست. سیاست تشکیل پارلمان‌های محلی نهضت آزادیستان به معنای کاستی از قدرت مرکزی و در نتیجه مغایر با افکار کسروی بوده است.

آرمان تمرکزگرائی کسروی و یاران او دقیقاً پیروی از همان سیاستی بود که سرانجام رضاخان میرنچ را روی کار آورد و پنجاه سال سلسله پهلوی را در ایران حاکم گردانید.

در مرامنامه حزب دموکرات ملی آمده است که:

1- مقصد و مرام فرقه محافظت اصول مشروعیت عامه است و این مشروعیت و مقبولیت‌تتها از راه انتخابات عمومی و با رأی مستقیم و مخفی به دست می‌آید.

2- قدرت عالی دولت به دست مجلس شورای ملی سپرده می‌شود و فقط مجلس حق وضع قوانین را خواهد داشت.

3- وزراء در مقابل مجلس مسئول هستند و به وسیله مجلس انتخاب خواهند شد.

4- همه افراد در مقابل دولت و قانون بدون توجه به مذهب، ملیت، نژاد، زبان و جنسیت آنها با هم برابر می‌باشند.

5- اشخاص و مسکن آنها از هر نوع تعرض مصون است.

6- دولت موظف است آزادی کلام، مطبوعات، اجتماعات، جمعیت‌ها و احزاب را تضمین و تأمین کند.

7- قوه قضائیه از قوه مجریه مجزی و منفک است.

8- قضاوت برای همه افراد ملت متساوی و سریع است. توقیف‌شدگان باید تا 24 ساعت از علت توقیف خود باخبر شوند.

9- قوه سیاسی از قوه روحانیه منفک است.

10- تعلیم و تربیت برای همه افراد ملت اجباری و مجانی است.

11- به جهت ستم مضاعفی که در طول تاریخ به زنان میهن روا داشته شده بود دموکرات‌ها به تعلیم و تربیت آنان توجه مخصوصی میدول می‌داشتند.

12- کارکردن کودکان تا 14 سالگی ممنوع است.

13- برای يك مقدار کار هم عیار - بدون ملاحظه تفاوت بین ذکور و ناث - مزد برابر، پرداخت خواهد شد.

14. مقدار کار هفتگی برای تمام افراد ملت 48 ساعت می‌باشد و یک روز (24 ساعت) استراحت در هفته برای عموم اجباری است.

15. به منظور هماهنگی با تعطیلات جهانی و ارتباط بیشتر با بازار دنیا ترجیح داده می‌شود، روز استراحت هفتگی عمومی روز یکشنبه معین شود.

در جریان جنبش آزادیستان قانون اصلاحات ارضی و تقسیم زمین‌های خالصه بین روستائیان، اولین بار در منطقه ارونق و انزاب (شبستر = زادگاه خیابانی) و در چند روستای دهخوارقان (آذرشهر) اجرا گردید.

کلیه آنها از جمله آبهای قنات، چشمه‌ها، رودخانه‌ها ملی اعلام شد.

انواع مالیات‌های کمرشکنی که از مردم، به ویژه از روستائیان گرفته می‌شد، لغو گردید و تنه مالیات بردرآمد به رسمیت شناخته شد. زمین‌های خالصه به رایگان بین روستائیان تقسیم گردید و دهقانان زمین‌های فئودال‌ها را تنها می‌توانستند با پرداخت پول از آنها بخرند و فئودال‌ها نیز املاک خود را جز به رعیت‌های خود نمی‌توانستند به کسان دیگری واگذار کنند.

جنبش آزادیستان برای پرداخت وام به روستائیان که مایل به خرید املاک فئودال‌ها بودند، بانک‌های فلاح و ملی را بنیان نهاد.

خیابانی آرزوی مکانیزه کردن صنایع و کشاورزی ایران را در سر می‌پروراند. همچنین وی از شرایط نامساعد کار و استثمار کارگران رنج می‌برد. بنابراین در فکر پیاده کردن مترقی‌ترین قانون کار برای کارگران بود.

جنبش آزادیستان اول ماه می روز جهانی کارگر را به رسمیت شناخت.